

رویارویی تروریسم دولتی با دموکراسی خواهی زحمتکشان

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

پنداری پایان کار داعش ها و برادران همجنس فرا میرسد. بنا به ادعای Ashton Carter وزیر دفاع امریکا حاجی امام فرد دوم فرماندهی داعش به تیر غیب انحصارات واریاب کاخ سفید نشین گرفتار آمد و کشته شد. آغاز غروب و پایان کار یکان یکان از لیست تروریستهای دست ساز فرا میرسد و جایگزین آن را من تقابل تروریسم عریان دولتی مجددا با اندیشه موسسات دموکراسی خواهی زحمتکشان ارزیابی کرده ام. با ورود روسیه در جنگ سوریه پایان کار داعش کلید خورد. در این بین هم عربستان سعودی دست پیش را گرفته و محمد Aloush رهبر ارتش مخالفین در سوریه را راهی کنفرانس ژنو نمود. آلوش عربستانی و فرزند ملامهای وهابی و شهروند عربستان در سوریه! ماموریت داعش با سه پارچه شدن رسمی عراق و شکست در جبهه کوبانی و روژآوای دموکراتیک به پایان رسیده که این ماموریت برای یک حرکت تروریستی بواقع گلوگیر و خارج از توانش بود. اکنون با اوج گیری اندیشه های دموکراتیک و اعلام روژآوای فدرال دموکراتیک مجددا ائتلاف ارتجاع منطقه در غالب تروریسم دولتهای ترکیه جمهوری اسلامی ایران و سوریه به کار نیمه تمام داعش ها پایان میدهند و روژآوای سوری و دیگران را در فقدان گسترش آن به مناطق دیگر تحت محاصره در میآورند. که هر حرکت مشابه و شورائی تنها میتواند در صورت پیوستن مناطق دیگر در پهنه وسیع دوام آورد. محتوای این مطلب کالبد شکافی همین گمانه زنی است.

در این میان سری به اوضاع ترکیه میزنیم سیاست ایالات متحده امریکا در قبال ترکیه و بحران سیاسی در آن کشور و در راستای تضعیف حزب عدالت و توسعه و تقویت بدیل توانمند پوپولیس و سرکوبگر دیگری است. کار داعش و تروریستهای آن به پایان میرسد و همان اهداف را سرمایه بین المللی و در راس آن ایالات متحده امریکا باید با پرچم و تابلوی جدیدی جستجو کند. اوضاع متزلزل دولت اردوغان و رشد مخالفین در ترکیه لزوم نزدیکی به جمهوری اسلامی را بدیهی مینماید. که سیاست خارجی امپراطوری امپریالیستی همواره بر سکولهای نگهدارنده ارکان اصلی آن استوار است. این سکولها و محل های استقرار اهرم های سیاست خارجی در هر منطقه و بر مبنای مقتضای روز میتواند تغییر نماید. که امریکا تصویر آینده منطقه را با تغییرات بسیاری نظاره میکند و در آن صورت بهتر است امپراطوری از هم اکنون محل تکیه گاههای اهرم های سیاست خارجی خود را (سیاسی- نظامی) مشخص نماید. که جمهوری اسلامی ایران و در صورت ضرورت تغییر در ترکیه میتواند در این راستا به کمک امریکا درآید همانطور که پیشبرد کار تهاجم و اشغال افغانستان و عراق بدون یاری تهران غیر ممکن بود! این احتمال بستگی مستقیم به حل مناقشه بین جمهوری اسلامی و عربستان دارد و امریکا تمایل دارد تا حاکمان سعودی را راضی به نشستن سر میز مذاکره نماید.

اگر روزی صحبت و گمانه زنی درباره احتمال سقوط دولت اسلامی عدالت و توسعه در ترکیه یک تحلیل نابهنگام و پیشرس بود اما که امروز حفره های ایجاد شده در سازه حکومت چنان عمیق میشود که در صورت عدم اعتنا و قبول امر تغییر سیاسی در آن کشور واز جمله موافقت امریکا واریاب سرمایه بین الملل و مسکن داران قدرت سیاسی سنتی در آنکارا (سرمایه داران ترکیه) احتمال ورود ترکیه به یک دوران شورشی دیگر چون دهه ۷۰ میلادی و ونخست وزیری سلیمان دمیرل حتمی است. در این بین اگر روزی دولت عدالت و توسعه اسلامی اردوغان ها نقطه تجمع اراده سیاسی سرمایه داری بومی و رضایت اهرم های موثر چون اردوی عبدالله گولین بود امروزه این ائتلاف به خصومت تبدیل شده است. آیا نظامیان مجددا و چون سالهای ۶۰ با اعدام نخست وزیر Adnan Menders و سالهای ۸۰ با بزرگشیدن دولت Suleyman Demirel به نظم سربازخانه ای روی میاورند ویا در صورت قوام اپوزیسیون به تقسیم قدرت تن در میدهند را آینده آشکار خواهد کرد.

آنچه که گمانه زنی من در این راستا میگوید تغییرات سیاسی در کشورهای عربستان ترکیه ایران سوریه و عراق در حال قوام است. آیا امریکا متحدین برای سامان دادن به اوضاع سوریه و ترکیه و سپس عربستان از جمهوری اسلامی بعنوان تکیه گاه اهرم سیاست خارجی خود سود ببرند محتمل است. حضور تیم نیویورکی ها (ظریف و شرکا) و تضعیف جناح رهبری چنانچه دیر بپاید و ادامه دار باشد این احتمال را بیشتر میکند چرا که ترکیه به مثابه مسکن جنوبی پیمان آتلانتیک شمالی همواره باید با ثبات قابل اطمینان و موثر باقی بماند و امریکا در صورت برآمد یک جنبش همزمان نمیتواند در چند جبهه به رتق و فتق امور بپردازد. آیا کاخ سفید با هشدارهای مکرر حاکمان عربستان را به اهمیت نقش حوتی هادر یمن متوجه میسازد. عربستانی که ۵ درصد کل درآمدهای نفتی خود را هزینه گسترش مکتب تروریست پرور وهابیت میکند. عربستانی که هم اکنون محمد آلوش را به عنوان رهبر مخالفین بشاراسد در کنفرانس ژنو دارد! که هم اکنون و با کاهش درآمدهای نفتی عربستان هزینه نگهداری مساجد سراسر اروپا و شعبات در اقصا نقاط دنیا و هزینه پروژه های برون مرزی آن باری بردوش مردم اش مانده است. آنچه که هم اکنون منطقه را در میبوردد رشد اندیشه دموکراسی خواهی است و آن در کنار و هماهنگ با جنبش برابری طلبی و تفکر شورایی بویژه در سه کشور ترکیه ایران و سوریه است. من معتقدم که فقط حضور یک جنبش اجتماعی مترقی و برای سرنگونی رژیم بربریت میتواند جلوی طرح امریکا و متحدین را در تشکیل ائتلاف ضد چپ و علیه ترقی و توسعه با شرکت مستقیم رهبری و نیروی سرکوب کشورهای مذکور را بگیرد. ائتلافی که قرار است با کمک امریکا جانشین نیروهای تروریستی داعش و... بشود تا ابتدا روزآواها را بزنند و سپس مبادرت به ایجاد دریای آرامش مورد نیاز اقتصاد بازار صادره از واشینگتن نمایند.

از بارزترین نمونه های نزدیکی واشینگتن به تهران و جمهوری اسلامی چشم بستن بروی هجوم و قتل عام مجاهدین اسیر در اردوگاه اشرف و لیبرتی است. در روز روشن آدم کشان به مجاهدین تحت حفاظت و مسئولیت امریکا در اشرف حمله میبرند و ۵۷ فرزند دلاور مردم ایران را سلاخی میکنند و ۹ تن از آنان را نیز ربوده و با خود میبرند. این قصابی پناهجویان تحت حفاظت سازمان ملل پس از موشک باران متعدد و کشتن دهها مجاهد خلق اتفاق افتاد. پس از آن و در اردوگاه لیبرتی مجددا بمباران میشود و ۲۳ مجاهد خلق طعمه دسیسه های تروریستها سیاست نزدیکی امریکا با جمهوری اسلامی میشوند. که سیاست اعدام های فله ای در زندانهای رژیم بربریت از روز نخست و دهه شصت خورشیدی با بی اعتنائی

ارباب سرمایه و کاخ سفید و اتحادیه اروپا روبرو شد و همین برخورد ضدبشری در لیبرتی ادامه داشت. که تروریستها و جمهوری اسلامی براهتی خون اسرای تحت حفاظت کمیساریای ملل متحد و تضمین رسمی ایالات متحده آمریکا را میریزند و هیچکس اعتراضی نمیکند! که سیاست اتحاد - انتقاد در مورد جمهوری اسلامی از سوی انحصارات امپریالیستی و دول آنها از روز نخست سرپوش حمایتی آنان از چنین بربریتی بوده است.

آنچه که آمد شمه ای از نگاه و عملکرد ارباب سرمایه و دول و نمایندگان سیاسی آنها در کاخ سفید و اتحادیه اروپا بود. بی شک و با پایان دوران دولت پرزیدنت اوباما این چهارچوب باید به نحوی تکرار شود و در این راستا و از هم اکنون هیلاری کلینتن در نظر دارد تا ملغمه ای از رویکردهای دولت اوباما با شعارهای توخالی برگرفته از مشاورانش که اغلب در طیف راست دموکراتها و چپ جمهوری خواهان هستند به پیش برد. کلینتن و مشاورانش برعکس یاران اوباما میخواهند در صورت تشکیل دولت جدید صراحتا تهران را مورد خطاب قرار دهند. اینکه جمهوری اسلامی هویج را میگیرد یا ضرب و جرح چماق امریکایی را طلب میکند تصویری است که در آینده باید دنبال دیدن آن بود ولی یک نکته، جمهوری اسلامی از دست ابواب جمعی خامنه ای خارج میشود و مسئولیت های حزب اله را اصلاح طلبان حکومتی در تعامل و حرف شنوی از غرب عهده دار میشوند. که آینده و از سوی آمریکا قرار است مسئولیت های مهم تری بردوش نظام بربریت این بار اصلاح طلب قرار دهد! بربریتی که اتفاقا تا مدتها بین مردمان بسیاری با ماسک رواداری و مردم دوستی چهره کرده. بربریتی که در تصویر جدید باید در جریان زندگی و مبارزه زحمتکشان از آن هم توهم زدایی شود. هرچه که پیش آید و با اتمام سوخت ماشین داعش و لزوم سرکوب اندیشه شورایی در منطقه جمهوری اسلامی نیاز حیاتی و در هماوایی با سیاست نئولیبرال مطرح دارد و این تصویر هم آهنگ و همجنس روحانی و دراصل اردوی رفسنجانی و الگوی چینی اوست.

الگوی خط اصلاح طلبان جمهوری اسلامی و درراس آنها اردوی هاشمی و شرکا پیدا و ناپیدا سرکوب حداکثر داخلی فقر و بیکاری و نابسامانیهای موجود ادامه میابد. درهای پوسیده واردات و خصوصی سازی بی دروپیکر شدت میابد. این تصویر ادامه دورنخست دولت رفسنجانی و دیکته سیاستهای بانک جهانی است و مسئولیتی است که تروریسم دولتی را مقابل دموکراسی خواهی زحمتکشان تداوم میبخشد. راه نجاتی که خود مجددا بخش دیگری از دورتسلسل دست عوض کردن جناح های رژیم و تروریسم عریان است.

آیا ما به قوام و توانایی شناسایی کلیه روندهای مبارزاتی درون اردوی زحمتکشان و نیروهای مدافع آزادی دموکراسی و عدالت خواهی رسیده ایم. آیا میتوانیم در موقعیتی انقلابی کمیته های مخفی - علنی کار را به هزاران تلاش در موسسات مدنی و مبارز پیوند زنیم. آخر سر اینکه آیا ما اقلا به فکر ظرفیت نظری - عملی برای رهبری یک جنبش انقلابی رسیده ایم که در صورت برآمد جنبشی دیگر رهبری آن از مریخ نمایند و هشدار که ارباب سرمایه مجددا آن را مال خود نکنند.

